

دو دل نوشته کودکانه درباره حمله رژیم صهیونیستی به ایران



نامه‌های روشن

وقتی حوالی شب عید غدیر امسال همه آن بچه‌های معصوم رفتند که بخواهند تا صبح زود بیدار شوند و به مراسم جشن عید غدیر بروند رژیم وحشی و کودک‌کش اسرائیل با بمب‌هایش به کشور ما حمله کرد و همه را به خاک و خون کشید. دفتر و کتاب‌ها، اسباب بازی‌ها و همه آن رؤیاهای طلایی به یک باره در زیر آوار و خاک و آتش مدفون شد. همه آن بچه‌ها در تعطیلات تابستانی بودند و برای خود آرزوهای قشنگی برای زندگی داشتند، اما در کنار فرماندهان و دانشمندان شهید هم به شهادت رسیدند و به بهشت خدای مهربان پر گشودند. این اتفاق تلخ علاوه بر اینکه دل‌های ما را دردمند و غمگین کرد، باعث شد که کودکان این مرز و بوم آگاه و بیدار شوند و دشمن ایران و ایرانی را بیشتر و بهتر از گذشته بشناسند و با گرمی داشتن خون شهدا، به دنیا نشان دهند که چقدر وطنشان و رهبرشان را دوست دارند.



خیال کرده‌ای که می‌توانی مردم شجاع و مسلمان و انقلابی ایران را به زانو در بیاوری؟

این یک فکر احمقانه و محال است چون تو کور و کوری و هنوز نفهمیده‌ای که اینجا ایران؛ مهد شیران و دلیران است.

آهای گفتار ترسو بدان که دنیا ایران شجاع را دید. ایران، همانند ذوالفقار حضرت علی (ع) است و اگر کوچک‌ترین حرکتی بکنی، این بار دنیا می‌بیند که گنبد آهنین زنگ زده و مسخره‌ات چگونه بر سرت آوار می‌شود. کتاب آسمانی ما قرآن در سوره اسرا آیات ۵ تا ۷ به شما آدم‌های ظالم می‌گوید که شما دو بار در زمین فساد و آدم‌کشی می‌کنید و در نوبت دوم مردان آهنین که اراده‌ی پولادینی دارند شما را بر سر جایی می‌نشانند و بیت المقدس را آزاد می‌کنند. پس فرار کن چون این وعده‌ی الهی بسیار نزدیک است.



اینجا ایران، خانه شیران است

ای اسرائیل غاصب. ای کودک‌کش تاریخ. ای نتانیا هوی جلاد. تو نقشه‌ی قتل سرداران دلاور و دانشمندان هسته‌ای و زنان و کودکان بی‌گناه ما را کشیدی. نفرین به تو!

